



کتابخانه ملی، فرهنگی،
سایبری و اجتماعی



اتفاق ۱ ساله



پسج دانشجوئی
دانشگاه تربیت مدرس

شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس

مدیر مسئول: مهرداد مهرافزا

سردبیر: مهدیه نظرزاده

گرافیکست: محدثه فتح الهی

هیئت تحریریه: فضل الله بازیاری، مهسا شهسوار،

مریم صادقی، زهرا فیروزی، محسن قادرمزی، فردین

کریمی، طیبه نیک کار

مصلح

نشریه علمی، فرهنگی،
سیاسی و اجتماعی

یادداشت سردبیر

اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بر هیچکس پوشیده نیست نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به جرأت یکی از مردمی‌ترین نظام‌ها در جهان کنونی دانست نظامی که در ۱۲ فروردین ۵۸ با رأی قاطع ۹۸ درصدی ملت مشروعیت و مقبولیت گرفت. خمینی کبیر جمهوری اسلامی را بر دو پایه‌ی لایتغیر بنا نهاد: جمهوری و اسلامیت. جمهوری که نقش و حضور مردم را از بدو تولد انقلاب اسلامی به همراه داشته و تا کنون با حضور و حماسه آفرینی در عرصه‌های مختلف به کار خود ادامه داده است. اما پایه‌ی دوم اسلامیت، این‌که قوانین باید بر مبنای دین مبین اسلام ایراد و اجرا شود، قانون اساسی ما در مرحله ایراد بر همین مبنای پیش رفته است اما در مرحله تبیین و اجرا درخت ۴۳ ساله‌ی انقلاب همچنان به هرس و مراقبت نیازمند است. رهبر معظم انقلاب اسلامی که در طول این سال‌ها حکیمانه به ترسیم و تبیین این مسیر همت گمارده اند در سال ۹۷ و در آستانه به تکامل رسیدن این درخت ۴۰ ساله با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور جهادی عظیم برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارائه فرموده‌اند. بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. از مهم‌ترین عوامل اقتدار ملی تا کنون ایستادگی نظام و حضور هوشمندانه مردم در جریان انقلاب اسلامی از ابتدای شروع نهضت تا کنون از انقلاب اسلامی بوده است. مردم ایران نشان داده‌اند با وجود آن‌که به عملکرد برخی از مسؤولین ناکارآمد و غیر مردمی معترض‌اند؛ اما هر جا حکومت اسلامی به خاطر بی‌بصیرتی خواص و حیل‌های دشمن دچار تزلزل شده است؛ با شور و غیرت ملی در دفاع از آرمان شهدا - که همان آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامیت - به‌پا خواسته‌اند. یکی از مهم‌ترین صحنه‌های حضور اقشار مختلف ملت، انتخابات است، یکی از برکات حضور مردم همین است که وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمیشود با این نظام معارضه کرد؛ چون با یک ملت نمیشود معارضه کرد» (رهبر انقلاب ۶/۱۲/۸۸) اما اهمیت انتخابات در میان قشر جوان دانشجو دوچندان است، این جوان است که امید آفرینی می‌کند، گفت‌وگو می‌کند، در تعیین سرنوشت کشور آگاهانه‌تر از هر قشر دیگر حرکت می‌کند و نیروی تازه نفسی برای خنثی کردن نقشه‌های دشمنان قسم‌خورده‌ی ملت به حساب می‌آید «جوان ما باید به مسأله‌های مثل انتخابات، به چشم یک عمل صالح و یک کار بزرگ نگاه کند.» (رهبر انقلاب ۲۴/۱۲/۸۳) این جوان است که باید حضوری آگاهانه و انتخابی هوشمندانه داشته باشد، اوست که قدرت تشخیص دارد و دیگران را در مسیر تشخیص اصلح هدایت می‌کند.

بر همین اساس بر آن شدیم تا شماره ۱۱۸ نشریه مصلح را با هدف روشنگری و امید آفرینی در انتخابات پیش رو تقدیم نگاه ارزشمند شما عزیزان کنیم. لذا از شما خوانندگان متعدد خواهشمندیم تا با ارسال انتقادات و پیشنهادات، ما را در رسیدن به اهداف نشریه یاری فرمایید. پیشاپیش از همراهی شما متشکریم.

اتفاق ۸ ساله

صفحه ۲

انتصاب یا انتخاب

صفحه ۵

حاج قاسم و انتخابات

صفحه ۴

سلبریتی‌ها و تاثیر آنها در رأی مردم

صفحه ۸

وظایف جامعه نخبگانی (دانشگاهی) در انتخابات

صفحه ۶

شعار از من رأی از تو

صفحه ۱۰

نقش دولت در تحقق شعار سال

صفحه ۹

انتخابات ایران، اثرات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

صفحه ۱۳

نقش زنان در تعیین سرنوشت کشور

صفحه ۱۲



فریدین کریمی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

اتفاق ۸ ساله



دهند؟ انتخابات سال ۱۳۹۲ چهره های بسیاری را به خود دید از جمله، حسن روحانی، سعید جلیلی، محمدباقر قالیباف، محمد رضا عارف، علی اکبر ولایتی، محسن رضایی، حداد عادل و محمد غرضی. جمهوری اسلامی در شرایطی قرار داشت که قدرت های جهانی به واسطه توانمندی هسته ای ایران پای میز مذاکره نشسته بودند و از طرف دیگر دولت وقت و دستگاه دیپلماسی وقت حاضر به پذیرش زیاده خواهی غرب در مذاکرات صورت گرفته نبود و بر این اعتقاد بودند که غرب در پی گرفتن امتیازات متعدد و دادن کمترین امتیازها به جمهوری اسلامی می باشد. در این میان با شروع مناظره های انتخاباتی در سال ۱۳۹۲ میان کاندیدهای ریاست جمهوری اتفاقی رخ داد که نتیجه آن اتفاق بالا آمدن فردی بدون برنامه مدیریتی کشور به نام حسن روحانی شد. آن اتفاق شکل گیری وحدت گفتمانی در میان اکثریت کاندیداها مبنی بر پذیرش هژمونی ایالات متحده و مذاکره بهترین راه برای ایجاد گشایش اقتصادی در کشور بود.

روزهای پایانی عمر دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی در حال سپری شدن و فضای کشور کاملاً وارد فاز انتخاباتی شده است. جمهوری اسلامی در حالی وارد انتخابات ریاست جمهوری می شود که در هشت سال گذشته شاهد یکی از ضعیف ترین عملکردها در قوه ی اجرایی کشور در طول مدت ۴۲ ساله خود بوده است و این عملکرد ضعیف در حوزه های مختلف اقتصاد، سیاست خارجی، فرهنگی، عمرانی و... خود را نشان داد. خوب است در شرایطی که دولت تدبیر و امید به پایان کار خود رسیده است، به یکی از عمده ترین دلایلی که موجب شد شخصی با مختصات حسن روحانی و گفتمان وی کرسی ریاست جمهوری را تصاحب کند بپردازیم. در سال ۱۳۹۲ شاید بتوان گفت کمتر کسی از عموم مردم نام حسن روحانی را شنیده و با عملکردها و گفتمان فکری آن آشنایی داشت، اما چه شد که چنین فرد گمنامی به یک باره به کرسی ریاست جمهوری می رسد و مردم به او اقبال نشان می

کردند و نماینده گفتمان مذاکره در انتخابات بودند، در این میان محمدباقر قالیباف، محسن رضایی و علی اکبر ولایتی با تصور بر این که با گرفتن موضعی نزدیک به مواضع جریان اصلاحات در سیاست خارجی و همچنین گرفتن مواضع نزدیک به جریان اصولگرایی در حوزه های فرهنگی و سیاست داخلی می توانند اقبال عمومی را به سمت خود جلب کنند، در مناظره ها نقش آفرینی کردند. در نهایت مردم با توجه به فضایی در مقابل خود می دیدند به این نتیجه رسیدند که اکثریت کاندیداها راه حل اصلی کشور را مذاکره با کشورهای غربی به خصوص آمریکا می دانند، از این رو باید به تفکری رأی داد که با قدرت بیشتری گفتمان مذاکره را فریاد می زند و غربگراترین گزینه یقیناً بهترین شخصی است که می تواند این گفتمان را مدیریت و راهبری کند و در نهایت با کناره گیری محمد رضا عارف گزینه بعدی حسن روحانی بود. امروز پس از گذشت هشت سال از مدیریت حسن روحانی که نماینده جریان اصلاح طلب در فضای سیاسی کشور بود؛ مشخص شد نه تنها این نوع نگاه نتوانست در حل و رفع مسائل اقتصادی کشور مؤثر واقع شود بلکه وجود این نگاه یکی از عوامل تشدید تحریم ها علیه ایران و همچنین هدر رفت سرمایه های جوان و داخلی کشور است. خوب است در پایان به این نکته اشاره کنیم با آن که اکثریت جامعه نخبگانی و سیاسی کشور و سطوح مختلف مردم با توجه به تجربه ی هشت ساله به ناکارآمدی و ضعف مدیریتی جریان غربگرا پی برده اند اما این جریان فکری همچنان پرقدرت بر مواضع ضد مردمی خود پافشاری می کند و گویا قرار نیست از تجارب پیشین خود عبرت بگیرند.

با کناره گیری حداد عادل از انتخابات، مردم در مناظره ها شاهد بودند که اکثر افراد حاضر در مناظره با توجه به خاستگاه متفاوت سیاسی هر کدام، یک جمله گفتمان مشترک در سیاست خارجی اتخاذ کرده و به جز سعید جلیلی که معتقد بود مذاکره باید بر مبنای عزت و عدم پذیرش هژمونی ایالات متحده باشد و معتقد بود با توجه به تجربه ی وی در مذاکرات هسته ای با شش کشور آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه و چین، غربی ها نه تنها در پی رفع تحریم ها علیه جمهوری اسلامی نیستند بلکه در تلاشند با زیاده خواهی از پیشرفت دستاوردهای بومی جمهوری اسلامی جلوگیری و پله به پله امتیاز گیری خود را بیشتر کنند. اما دیگر کاندیداها متفق القول به مواضع سعید جلیلی حمله ور شده و عدم توفیق دستگاه دیپلماسی در دولت وقت را کمبود تجربه مذاکراتی و عدم شناخت کافی از میز مذاکره می دانستند. در این شرایط مردم با دو گفتمان مواجه بودند، ابتدا گفتمانی که معتقد بود راه برون رفت از مشکلات پذیرش هژمونی غرب و نشستن بر سر میز مذاکره و پذیرش خواسته های غرب و در ازای آن گشایش اقتصاد است و گفتمان دوم که معتقد بود نباید در قبال زیاده خواهی غرب کوتاه آمد بلکه باید در مذاکره ای عزتمندانه سعی داشت بیشترین امتیاز را از دشمن گرفت و برای رفع مشکلات اقتصادی ملاک اصلی باید توجه به ظرفیت های درونی کشور باشد نه آن که همه مسائل داخلی و خارجی را به مذاکره و عدم رابطه با آمریکا دانست. در این شرایط حسن روحانی و محمد رضا عارف که نمایندگان جریان اصلاحات در انتخابات بودند، گفتمان ابتدایی را پرقدرت تر و پر فشارتر به مردم مخابره می

حاج قاسم و انتخابات

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هستیم صدای طبل انتخابات بلند میشود. انتخابات ظرفیتی را در اختیار مردم داده تا در تعیین سرنوشت خود دخیل باشند.

با هم بودن توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطول و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است: (۱) اول آنها اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی میخواهد مسئولیتی را احراز کنند شرط اساسی آن این است که اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد من نه میگویم ولایت تنوری ونه میگویم ولایت قانونی هیچ یک از این دو مشکل وحدت را حل نمیکند. ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم مسلمان و غیر مسلمان است اما ولایت عملی، مخصوص مسئولین است که میخواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید. (۲) اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزشها تا مسئولیتها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام. (۳) به کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره‌ی خان‌های سابق را تداعی می‌کنند. (۴) مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند. (۵) در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزشها باشند، نه با توجیهات واهی، ارزشها را بایکوت کنند. مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و به خاطر احساسات و جلب برخی از آرا احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشاند. حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هستیم صدای طبل انتخابات بلند میشود انتخابات ظرفیتی را در اختیار مردم داده تا در تعیین سرنوشت خود دخیل باشند. افزایش مشارکت سیاسی همواره از آسیب‌پذیری کشور در مواجهه با تهدیدات خارجی می‌کاهد و ایران در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب همواره با موجی از تهدیدات و تحریم‌های متنوع و پیچیده باهدف برهم زدن نظام محاسباتی مردم و مسئولان و مخدوش کردن امنیت و اقتدار ملی روبه‌رو بوده است. مشارکت مردم در مقاطع مختلف موجب شده تا نقشه‌های دشمنان با شکست روبه‌رو شود. پیام روشن مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، بی‌اثر بودن هر نوع تحریم و تهدید برای به‌زانو در آوردن ملت ایران است. اهمیت مشارکت در انتخابات تا آنجا است که شخصیتی همچون سردار حاج قاسم سلیمانی که در چشم همه ایرانیان به عنوان حافظ امنیت و پاسداری از مرزهای کشور شناخته میشود و میتوان او را نماد مقابله با تجاوز بیگانگان به ایران دانست، اصرار فراوانی به لزوم مشارکت در انتخابات داشتند چرا که به عنوان یک فرمانده با تجربه میدانست حضور مردم در عرصه‌های سیاسی خنثی کننده نقشه‌های دشمن خواهد بود. اگر به شناسنامه حاج قاسم سلیمانی نگاه بندازیم جای خالی برای مهر زدن وجود ندارد چرا که وی اصرار به شرکت بر همه انتخابات داشت که این نشان دهنده این است که حاج قاسم سلیمانی پایبند به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. سردار حاج قاسم سلیمانی در قامت یک فرمانده نظامی از دخالت مستقیم در جزئیات انتخابات یا حمایت از یک کاندیدای خاص پرهیز داشتند اما تاکید وی بر لزوم مشارکت در انتخابات بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل است که در فرازی از وصیت‌نامه، ایشان بخشی از آن را خطاب به جریان‌های سیاسی قرار دارد و توصیه‌های انتخاباتی به آنها میکند: چه آنهایی که اصلاح طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا؛ آنچه پیوسته در رنج بوده اینک عموما ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش میکنیم، بلکه خدا هم میکنیم. عزیزان هر رقابتی با هم میکنید و هر جدلی با هم دارید اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضمین‌کننده دین و انقلاب باشد بدانید شما مغضوب نبی اکرم اسلام و شهدای این راه هستید مرزها را تفکیک کنید. اگر میخواهید با هم باشید شرط

انتصاب یا انتخاب



فردین کریمی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

هر ساله با بالا کشیدن تب انتخابات در کشور، فارغ از تمام جنجال های سیاسی و فضای احساسی، یک مسئله همیشه گرمی بازار خود را دارد و آن حضور شورای نگهبان، تایید و رد صلاحیت هاست.

و بنابر اقتضا در تلاش است تا با در نظر گرفتن سلیقه های سیاسی متفاوت در کشور، فضا را برای انتخاباتی مردمی با سلیقه های مختلف فراهم کند، البته این اختلاف سلیقه بدین معنا نیست که افرادی که قانون اساسی کشور را نمی پذیرند می توانند در انتخابات شرکت کنند، چرا که هیچ نظام سیاسی در دنیا چنین فرصتی را در اختیار معاندین خود قرار نمی دهد و بقینا عقل نیز چنین حکم می کند که هر نظام سیاسی باید در پی تقویت اصول و قانون اساسی خود باشد نه تضعیف آن. نکته ی دیگری که در مسئله شورای نگهبان مطرح است، به عنوان مثال حسن روحانی توسط شورای نگهبان تایید صلاحیت می شود و کرسی ریاست جمهوری را با رأی مردم به دست می آورد، اما در طول دو دوره خود با عملکردی ضعیف و مدیریتی ناتوان کشور را دچار مسائل و مشکلات متعدد می کند، برخی برای فرار از واقعیت چنین مطرح می کنند یکی از مقصرانی که وضعیت کنونی را رقم زده شورای نگهبان می باشد، اگر شورای نگهبان حسن روحانی را تایید صلاحیت نمی کرد امروز وضعیت کشور این چنین نبود. اما واقعیت چیزی فرا تر است؛ همان طور که اشاره شد شورای نگهبان در نگاهی حداقلی به افراد، آنان را تایید



را رد می کند و بر اساس هیچ عقل و منطقی نمی تواند حکم قبل از جرم صادر کند و یا بر اساس توهمات کارآمدی و یا ناکارآمدی افراد آنان را رد یا تایید صلاحیت کند، از این رو یقینا تایید شورای نگهبان به معنای کارآمدی فرد نیست، بلکه این وظیفه ی مردم جامعه و به خصوص نخبگان دانشگاهی و سیاسی است که نوع تفکرات و برنامه های نامزدهای انتخاباتی را بررسی کرده و گزینه صحیح را انتخاب کنند. نکته ی دیگری که طنز تلخی را دربر داشته و نشان از بی تقوایی سیاسی و سیاست کاری و سیاست بازی به معنای کثیف کلمه است؛ نحوه ی مواجهه ی برخی جریانات داخلی با تصمیمات شورای نگهبان بوده . برخی از افرادی که در انتخابات شرکت می کنند و با رأی مردم به کرسی هایی مانند ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس می رسند،

در همین زمان است که برخی از جریانات سیاسی کشور با سوءاستفاده از نظارت استصوابی شورای نگهبان تمام انتخابات را زیر سوال می برند و با طرح مسائلی چون انتخابات تشریفاتی یا انتصابات به دنبال تحریک افکار عمومی و سوءاستفاده از فضای احساسی بر آمده از این تحریک می باشند. اما اصل داستان چیست؟ نگاه شورای نگهبان به انتخابات چگونه است؟ آیا هر کسی که شورای نگهبان تایید کرد بدین معناست که کارآمدی لازم را دارد و برای اداره کشور برنامه دارد؟ در این یادداشت در تلاشیم تا بدین سوالات پاسخ دهیم. بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، شورای نگهبان وظیفه ی نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد و به موجب تفسیر شورای

نگهبان این نظارت استصوابی است که شامل مراحل اجرایی انتخابات از جمله تایید و رد صلاحیت ها می باشد. قبل از آن که به عملکرد شورای نگهبان بپردازیم خوب است اشاره کنیم در بسیاری از کشورهای جهان حداقل یک نهاد نظارتی بر روند انتخابات و حضور کاندیداها و صحت انتخابات نظارت دارد. به عنوان مثال «دادگاه قانون اساسی» در ترکیه، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس عوام» در

انگلیس و... نقش نظارتی خود را ایفا می کنند و اساسا عقل حکم می کند یک نهاد فرا جناحی و با تاکید بر قانون اساسی کشور بر انتخابات در هر کشور نظارت داشته باشد. در جمهوری اسلامی نگاه شورای نگهبان به نامزدهای انتخاباتی نگاهی حداقلی است. بر خلاف عموم جامعه که تصور می کنند دیدگاه شورای نگهبان حداکثری و مبتنی بر کارآمدی و نگاه عملگرایانه به نامزدهای انتخاباتی است، دیدگاه حاکم بر شورای نگهبان حداقلی بوده، بدین معنا که یک فرد دارای حداقل های ممکن برای پست ریاست جمهوری یا دیگر سمت ها می باشد، به عنوان مثال فرد دارای مدارک تحصیلی معتبر، سنوات فعالیت سیاسی و مدیریتی، عدم آلودگی به فسادهای اقتصادی، سیاسی و اخلاقی بوده. از طرف دیگر شورای نگهبان در انتخابات نقش تسهیل کننده داشته

های این جریان را در رادیکال ترین حالت ۸۸ شاهد بودیم که جریان اصلاحات چگونه علیه جمهوریت و رأی مردم شورید. یا به عنوان مثال حسن روحانی که خود با رأی مردم و در چارچوب همین قانون اساسی و شورای نگهبان بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است، در انتخابات مجلس یازدهم با علم به این که عملکرد ضعیف دولت سبب شده است تا مردم از این تفکر و جریان روی برگردانند باکلید واژه ی انتخابات تشریفاتی سعی در زیر سوال بردن انتخابات و تخریب شورای نگهبان داشت.

پس از رأی آوری انتخابات را مردمی و رأی مردم را ارزشمند می خوانند و رأی مردم را نشان از تایید گفتمان خود و شکست گفتمان رقیب می دانند. اما همین افراد و همین جریان هنگامی که از عدم اقبال عمومی به واسطه ناکارآمدی گفتمانی و عملکردی خود احساس خطر کردند، شورای نگهبان را مورد حمله قرار داده و انتخابات را تشریفاتی و انتصابی تلقی می کنند، به زبان ساده تر از نظر این جریان، انتخابات تا زمانی که به نفع ما و جریان ماست «انتخابات» است، در صورتی که انتخابات به ضرر ما باشد و با شکست جریان ما همراه باشد «انتصابات» است و مردمی نیست. نمونه



محسن قادرمزی
دکترای جغرافیای سیاسی

وظایف جامعه نخبگانی (دانشگاهی) در انتخابات

اصطلاح نخبه معنای وسیعی دارد و شامل افرادی است که در هر جامعه مقام برجسته ای داشته و به بیان جزئی تر، به گروهی از اشخاص اشاره دارد که در رشته ای خاص برتر هستند. معمولاً اқشار نخبه شامل گروه‌هایی است که عمده ترین آن‌ها عبارتست از:

- ۱- نخبگان سنتی ۲- نخبگان مالکیت یا ثروتمندان ۳- نخبگان کاریزمایی ۴-
- نخبگان ایدئولوژیکی ۵- نخبگان سمبولیک ۶- نخبگان علمی و دانشگاهی ،

بوده اند توانسته اند بعنوان پیروز معرفی شوند. در واقع موضوع «شناخت» و «انتخابات آگاهانه» از کلیدواژه های پایه ای هر انتخاباتی به حساب میاید که دستیابی به آن هم وظیفه ی «انتخاب گران» و هم «انتخاب شوندهگان» است در چنین شرایطی نقش نخبگان دانشگاهی به وضوح دیده می شود. نخبگان دانشگاهی بنا به دلایل زیر میتوانند در انتخابات جمهوری اسلامی ایران نقش برجسته ای داشته باشند؛

- ۱- نقش کم رنگ احزاب در کشور: به دلیل نقش کم اهمیت احزاب در انتخابات مختلف در کشور نقش گروههای ویژه مانند دانشجویان پررنگ تر است، در انتخابات مختلف به غیر از شهری مانند تهران آن هم نه بصورت پیوسته، مردم چندان توجهی به احزاب ندارند و در اکثر موارد ملاک های دیگری را در نظر میگیرند و از آنطرف احزاب هم برنامه هایشان بیشتر در همان ایام انتخابات فعال میشود و بعد از انتخابات برنامه مشخصی ندارند و افرادی که در قالب یک حزب یا گروه مسئولیتی را

اصطلاح نخبه معنای وسیعی دارد و شامل افرادی است که در هر جامعه مقام برجسته ای داشته و به بیان جزئی تر، به گروهی از اشخاص اشاره دارد که در رشته ای خاص برتر هستند. معمولاً اқشار نخبه شامل گروه‌هایی است که عمده ترین آن‌ها عبارتست از ۱- نخبگان سنتی ۲- نخبگان مالکیت یا ثروتمندان ۳- نخبگان کاریزمایی ۴- نخبگان ایدئولوژیکی ۵- نخبگان سمبولیک ۶- نخبگان علمی و دانشگاهی ، که در این مقاله تمرکز ما بر روی نخبگان دانشگاهی و وظایف آنها در انتخابات جمهوری اسلامی ایران می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقش انتخابات در کشور بسیار پررنگ تر شد و مردم طی این سالها در انتخابات مختلفی همچون ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای شهر و روستا شرکت می کنند و همواره تاثیرگذاری نخبگان به ویژه دانشگاهیان بر افکار عمومی موضوعی پراهمیت می باشد و در اکثر مواقع نامزدی یا نامزدهایی که از حمایت این قشر برخوردار

عهدیه دار می شوند بیشتر ترجیح می‌دهند انفرادی کار کنند و از روابط شخصی بیشتر استفاده کنند.

۲- آگاهی بخشی و روشنگری به مردم: از جمله اقدامات مهم نخبگان و خواص، در برخورد با افکار عمومی، تبیین حقایق بدون تعصب حزبی و گروهی یا منافع شخصی است. در جهان امروز که فضای مجازی نقش موثری بر افکار عمومی پیدا کرده است و در بسیاری موارد جای حق و ناحق با هم عوض می‌شود لازم است نخبگان دانشگاهی سواد رسانه ای مردم را افزایش دهند و در پی تبیین حقایق باشند.

۳- کم اهمیت کردن نقش سلبریتی‌ها در انتخابات: در انتخابات اخیر به دلیل استفاده اکثر مردم ایران از شبکه های اجتماعی چهره های هنری و ورزشی هم مورد توجه بسیار گسترده تراحزاب و افراد سیاسی قرار گرفته اند، دانشگاهیان میتوانند با این پدیده مقابله کرده و افکار عمومی را قانع کنند که سلبریتی‌ها اکثرا تخصصی در این حوزه ها ندارند و بعضا صرفا بخاطر منافع شخصی یا جو رسانه ای وارد این عرصه می‌شوند و سعی در کمک به کاندیداهای خاصی دارند.

۴- ایجاد امید و انگیزه: یکی از وظایف و کارکرد اساسی برای خواص و نخبگان را میتوان بالا بردن انگیزه و تقویت جنبه های روحی و روانی مردم در شرایط مختلف کشور از جمله انتخابات دانست که میتوان با ارتقای اعتماد در بین مردم به آن دست پیدا کرد، که رهبری انقلاب نیز بر آن تاکید فراوانی دارند. انتخابات اعتماد ملی، انسجام و علائق مردم به نظام را به جهان نشان خواهد داد. جامعه جوان دانشگاهی نیاز به شکوفایی پتانسیل های نهفته مردم و کشور دارد و برای این کار نیاز به ایجاد انگیزه و برپایی شور و نشاط در بین مردم و به ویژه جوانان کشور است.

۵- برشمردن اقدامات، اهداف و امیال ارزشمند انقلاب اسلامی در کنار کاستی ها برای مردم: یکی از اقدامات دشمنان کشور همواره ایجاد ناامیدی در میان مردم است در حالیکه نخبگان دانشگاهی باید اقدامات و فعالیت های حاکمیت را در بعد

از انقلاب در کاهش مبارزه با فقر، بی سوادی، بیماری-ها و.. عنوان کرده و با ارائه آمارهای واقعی درمواجه با جنگ رسانه ای در خارج کشور، باعث ترغیب مردم به حضور پرشور در انتخابات شوند.

۶- تبلیغ و حمایت از چهره های متعهد و متخصص: نسل جوان دانشگاهی لازم است در انتخابات مختلف از چهره های متعهد به انقلاب و متخصص و با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب از سوی رهبر انقلاب به ویژه از نامزدهای جوان و با برنامه در انتخابات مختلف حمایت کنند و زمینه ساز ورود جوانان به عرصه مدیریتی کشور باشند.

۷- جلوگیری از ایجاد شکاف و تفرقه: در هیچ کشوری با تفرقه و گسست در میان جامعه و گروه های مختلف، اقوام گوناگون مذاهب مختلف نمی توان پیشرفت کرد. انسجام درونی، لازمه رسیدن جوامع به اهداف و منافع ملی است. توسعه و امنیت پایدار و ایجاد انسجام آحاد مختلف مردم باید بر اساس وجود حس مشترک مبنی بر داشتن منافع مشترک باشد. اقتضای انتخابات رقابتی بودن است اما نقش نخبگان دانشگاهی در جلوگیری از ایجاد نفاق و دودستگی های که به زیان منافع ملی باشد بسیار با اهمیت است. رهبر معظم انقلاب در بیاناتی تاکید داشتند «عزیزان من، همه ملت ایران، وحدتتان را قدر بدانید، این اتحاد برای این کشور، اتحاد بسیار باشکوهی است، همدلی را قدر بدانید.» بنابراین نقش نخبگان دانشگاهی در این مورد بسیار با اهمیت و حیاتی است. در پایان لازم است عنوان کنیم که گرچه در نظام های مردم سالار دینی، رأی، رأی مردم است. اما این به معنای آن نیست که مردم نیاز به آموزش و مشاوره ندارند چرا که در نظام اسلامی ایران بسیار مهم است که بهترین تصمیم گرفته شود. یکی از اقشاری که مکلف است جامعه را برای تصمیم گیری درست تجهیز کرده و قدرت تشخیص مردم را بالا ببرد نخبگان و دانشگاهیان هستند. دانشگاهیان ضمن ورود به صحنه در رأی آوری افراد توانمند، متعهد و متخصص میتواند از ورود نااهلان به مدیریت کشور جلوگیری کنند.

سلبریتی ها و تأثیر آنها در رأی مردم

امروزه در شرایطی که بیکاری بیداد می کند، مشکلات شدید اقتصادی و تورم بسیار بالا در جامعه می تازد و از همه مهمتر شرایط وخیمی که به دلیل شیوع بیماری کرونا در کشور به وجود آمده است و از طرفی هم مدیریت بسیار ضعیف سردمداران کشور، بیشتر به یاد سخنان رهبر فرزانه در مورد انتخاب اصلاح و آگاهانه در انتخابات می افتم

ما در جامعه خودمان شاهد آن هستیم که سلبریتی ها نه تنها در موضوع انتخابات بلکه در تمام بزنگاه های مختلف جامعه باعث داغتر شدن تنور موضوعات مطرح جامعه می شوند و حتی در خواست هایی مخالف قانون و در تضاد امنیت کشور و مردم را نیز گاهاً خواستار هستند. همه ی ما انتخابات دوره قبل را به یاد داریم که تعدادی از سلبریتی ها تعدادی از هنرمندان مطرح کشورمان هم شامل می شد، به حمایت از یکی از کاندید های انتخاباتی پرداختند و او را اصلاح خواندند و از طرفداران خود خواستند که در انتخابات شرکت کنند و به کاندیدای مدنظر آنها رأی دهند. لازم به ذکر است که به خودی خود حمایت سلبریتی ها در یک موضوع خاص و از فردی خاص، خلاف هیچ قانونی نیست و هیچ قانونی نمی تواند آنها را محدود کند زیرا حتی به صورت عرف نیز با اصول آزادی فردی و اجتماعی در تضاد است. اما کسی که دغدغه مردم، جامعه و وطن خود را دارد باید در همه ی مراحل حساس و سخت کشورش، کنار مردمانش بماند. کسی باشد که از بین خود مردم باشد و واقعاً درد و مشکلات مردم را درد و مشکلات خودش بداند و اینگونه نباشد که در موقعیت هایی که بیشتر به نفع خودش است تا مردم، شروع به اظهار نظر های کورکورانه کنند و مردم را نیز به باور و نظر خودش دعوت کنند. سخنم را کوتاه کنم. فاصله زمانی زیادی تا انتخابات ریاست جمهوری باقی نمانده است. می دانیم که انتخاب یک فرد اصلاح و روی کار آمدن دولتی مسئولیت پذیر موجب بهبود وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان می شود. مشکلاتی که باعث آزردن خاطر شدن و ناراحتی مردمانمان شده است. در انتخابات پیش رو ما باید به دور از تشنج های فکری که هر ساله در زمان انتخابات در کشور ایجاد می شود و با تحقیق از افراد آگاه و کسانی که کارشناس موضوعات سیاسی هستند، انتخابی آگاهانه داشته باشیم.

که در هر انتخاباتی مردم را این چنین تشویق می کنند «مردم همه در انتخابات شرکت کنند، پرشور شرکت کنند، آگاهانه شرکت کنند، فکر کنند، تحقیق کنند، و آن کسی را که می خواهند انتخاب کنند». این سخنان رهبری نشان دهنده ی اهمیت انتخابات و اهمیت ویژه انتخاب اصلاح است که کشور را در تمامی شرایط به بهترین نحو اداره کنند. فاصله زمانی زیادی تا سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری وجود ندارد و ما باید از دوره های پیشین انتخابات درس عبرت بگیریم تا بهترین انتخاب را انجام دهیم. به انتخاب گذشته که نگاه می کنیم، درمی یابیم که گروه هایی که هیچ گونه اطلاعات کافی در مورد موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور نداشته و ندارند و بیشتر برای نفع خودشان به حمایت از یک کاندید انتخاباتی می پرداختند از جمله سلبریتی ها. اما منظور از سلبریتی ها چه کسانی هستند؟ افرادی که مشهور هستند اما لزوماً محبوب نیستند. افرادی که به سبب فعالیت های اجتماعی و سیاسی خودشان در جامعه شناخته شدند و لقب سلبریتی گرفتند. افرادی که خیلی ساده خودشان را مردمی و وطن دوست معرفی کردند اما بعضاً شاهد آن هستیم که برخی از آنها حتی حاضر نیستند که فرزندانشان در ایران متولد شوند و پاسپورت ایرانی دریافت کنند. افرادی که اکثراً به فکر درآمد و منافع خودشان هستند و یا با وجود نداشتن اطلاعات کافی و جامع درباره موضوعات مختلف شروع به اظهار نظر هایی میکنند که حداقل نیازمند تحصیلات و تحقیقات دانشگاهی است. در جهان نیز چه بسا شاهد اظهار نظر سلبریتی ها در مورد مسائل مختلف از جمله مسئله انتخابات کشور هایشان هستیم. و گروهی از سلبریتی ها همسو با یک حزب سیاسی هستند اما در کشورمان ایران این موضوع خیلی پررنگ تر به چشم می خورد.


 فضل اله بازیاری
 دکترای مدیریت صنعتی

نقش دولت در تحقق شعار سال

کرد. همه این‌ها حکایت از نقش بسیار مهم و منحصر به فرد و دست باز دولت در تحقق شعارهای اقتصادی و تولیدی است؛ مضاف بر این که مقام معظم رهبری اختیاراتی فراتر از آن را به دولت تفویض نمود. که دولت محترم می‌توانست با بسیج منابع و امکانات مذکور به خواسته ایشان جامه عمل بپوشاند. بر اساس آمار و گزارشات، مع‌الاسف، دولت‌های یازدهم و دوازدهم، علیرغم اختیارات فوق‌ننوانسته‌اند به وظایف خود در مساله تولید عمل کنند که مهمترین دلایل آن عبارتند از:

نوع نگاه و نگرش مسئولان دولتی به اقتصاد و مدیریت، تمرکز نگاه به بیگانگان و برج‌بام برای حل مسائل اقتصادی کشور و نادیده گرفتن ظرفیت‌های داخلی، عدم باور جدی و نداشتن برنامه حمایت از تولید داخلی، عدم توجه به پتانسیل کشورهای همسایه و قدرت‌های غیرغربی، بکارگیری مدیران خسته و بی‌انگیزه و عدم توجه به نخبگان و جوانان و بطور کلی عدم تحرک و پویایی و در میدان نبودن قوه مجریه در تولید داخلی و عدم اولویت دهی به این مساله.

باید قبول کرد که در حال حاضر موانع زیادی برای تقویت و جهش تولید در کشور وجود دارد که می‌توان مهمترین آن عبارتند از: عدم توجه جدی مسئولین به تولید داخلی، مشکلات ساختاری اقتصاد و صنایع کشور، مشکلات مالی و ارزی و ... که برای حل مشکلات عرصه تولید هم در وجه حمایت و هم در وجه مانع زدایی باید یک رویکرد سیستمی اتخاذ نموده و رئیس‌جمهور در این میان نقش اصلی را ایفا نماید. رخی از طرح‌ها و برنامه‌هایی که دولت می‌تواند به مدد بازوان اجرایی قوی خود در راستای شعار سال محقق سازد عبارتند از:

فراهم کردن و توسعه زیرساخت‌های لازم برای حمایت از تولید - برخورد با مفاسد اقتصادی و کارشکنی‌های اداری و قاچاق کالا - اصلاح نظام مالیاتی، بانکی، بورس و گمرک - تقویت نمایندگی‌های اقتصادی در کشورهای خارجی بخصوص کشورهای همسایه،
 بدیپلماسی اقتصادی و جذب بازارهای خارجی و

رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک صحیح از شرایط اقتصادی جهان و کشور در خلال فرمایشاتشان به سران قوا و مسوولان عالی‌رتبه، موضوع اقتصاد را مبتنی بر تولید داخل و اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نموده است که یکی از موارد مذکور اعلام شعار و نام سال جدید است که طبیعتاً جهت‌گیری یک ساله کشور را مشخص خواهد نمود. معظم له در پیام نوروزی سال‌های اخیر همواره کلیدواژه‌های اقتصادی چون حمایت از کالای ایرانی، رونق و جهش تولید و اقتصاد مقاومتی را مطرح نموده‌اند که سال ۱۴۰۰ نیز به تبعیت از سالهای گذشته سال «تولید، پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها» نام‌گذاری شد. تحقق این شعار علاوه بر خنثی سازی توطئه دشمنان، موجب افزایش تولید ملی و موجب خودکفایی کشور در بسیاری از زمینه‌ها و نیز اقتدار نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. نگاهی به شعارهای اقتصادی در یک دهه اخیر، حاکی از تاثیر اقتصاد پویا و غیروابسته در اقتدار و توانایی یک کشور است که تحقق جهش تولید داخلی، نقطه اوجی برای رسیدن به این قدرت است. تولید شاه‌بیت اقتصاد کشور است و با رونق تولید، اقتصاد کشور رونق می‌یابد. چاره اصلی بسیاری از معضلات کشور از قبیل بیکاری، تورم، رکود، مسائل فرهنگی و اجتماعی و ... تولید کالا و خدمات در کشور است. تولید چرخ محرکه صنعت و اقتصاد کشور است. به نظر می‌رسد با توجه به امکانات و اختیارات وسیع دولت، بار اصلی تحقق این شعار بر دوش این قوه است. ۳۶ اصل از اصول قانون اساسی کشور مربوط به اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور است که در راس تمام دستگاه‌های اجرایی دولتی قرار می‌گیرد. پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در امور که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد. دولت بازوی اجرای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های بالادستی و کلان کشور بوده ریاست جمهوری بالاترین قدرت اجرایی و جایگاه سیاسی را در کشور داشته و پرمسئولیت‌ترین نهاد با اختیارات متناسب است. از جمله اختیارات مهم دولت می‌توان به ارایه لوایح مهمی چون برنامه‌های ۵ ساله و بودجه‌های سنواتی کشور (که بیش از ۹۰ درصد منابع آن در اختیار رئیس‌جمهور است)، مسئولیت تمامی امور اداری و استخدامی؛ در اختیار داشتن حدود ۹۵ درصد نیروی انسانی بخش عمومی کشور؛ ریاست ۴۰ ش‌ورای عالی، داشتن سهم ۸۰ درصد در اقتصاد کشور و ... اشاره

توانایی دولت‌های گذشته در این زمینه، لذا لازمه اجرا و تحقق برنامه‌های فوق برای ایجاد یک انقلاب تولیدی در کشور، زمینه سازی برای تشکیل دولت جوان حزب الهی در سال جاری است تا بتواند با انگیزه و برنامه ریزی و اجرای مناسب در زمینه تحقق شعار سال که مقدمه سربلندی کشور است؛ موفق عمل کند. دولتی می‌تواند شعار سال را محقق سازد که دارای شرایط ذیل باشد: دولتی معتقد به اصول و مبانی انقلاب اسلامی، برخوردار از روحیه جهادی، با نشاط و پرتلاش، آماده در میدان و دارای انگیزه جهت حل مشکلات کلان کشور و رئیس جمهوری دارای تجربه برای موفقیت در تراز ریاست که دارای روحیه انقلابی و اسلامی عمیق و دارای تیمی متشکل از همکارانی نخبه و هماهنگ و همدل و مومن باشد و دغدغه همه آن‌ها حل مسائل مردم و انقلاب اسلامی بر اساس نظامات برآمده از اندیشه اصیل انقلاب اسلامی باشد. اگر دولت از خصیصه «روحیه انقلابی و اسلامی عمیق» بهره‌مند باشد، تمام برنامه‌ها و اهداف آن دولت در حوزه‌های روبنایی جامعه مانند تولید و اقتصاد محقق خواهد شد. ان‌شاءالله

راه اندازی باشگاه تحریمی‌ها متشکل از کشورهای تحریم شده توسط آمریکا برای پایان دهی به سیطره دلار بر مبادلات خارجی و خنثی نمودن اثر تحریم‌ها و تقویت زنجیره تامین کالاهای اساسی

- اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی توجه جدی به تولید مسکن - شبکه سازی واحدهای کوچک مردمی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه صنایع کوچک و متوسط - رفع موانع دانش بنیان‌ها و استارت آپ‌ها و فراهم نمودن شرایط تحقیق و توسعه واحدهای تولیدی - دستیابی به فناوری‌های برتر و تجاری‌سازی آنها - جلوگیری از خام فروشی نفت و اولویت دهی به توسعه پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی - چابک نمودن ساختار اداری کشور و حذف بوروکراسی و ...

بنابراین با توجه به اهمیت تولید در نظام اقتصادی کشور و وجود مشکلات عدیده در مساله تولید داخلی و بنا به نقش اساسی و بلامنازع دولت در تحقق شعار سال، و عدم



فردین کریمی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

شعار از من رأی از تو

که باید بر انتخابات حاکم باشد فاصله بگیرند. به عنوان مثال اکثریت جامعه امروزی اتفاق نظر دارند که حسن روحانی به شعارهای انتخاباتی خود پایبند نبوده و پس از تصاحب کرسی ریاست جمهوری نتوانست شعارها را به فعلیت برساند و تاثیر مثبتی بر وضعیت عمومی جامعه بگذارد، بلکه برعکس وضعیت را از آن چه که بود به مراتب در حوزه های اقتصادی و فرهنگی بدتر کرد. اما سوال اصلی که در این باب مطرح می شود این است که وظیفه جامعه در قبال فرصت انتخابات چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت دو رویکرد مطرح است: رویکرد اول شعار محوری اشخاص است که نزدیک ترین تجربه در مقابل مردم عملکرد دولت حسن روحانی می باشد. در این رویکرد مردم شعارهای انتخاباتی را یک اصل برای رأی دهی و انتخاب افراد در نظر می گیرند و در پشت ذهن خود جامعه ای را متصور می شوند که اگر منطبق بر این شعارها شکل بگیرد از مشکلات تهی بوده و مناسبات مدیریتی کشور هر کدام در

با گذشت ۴۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی قریب به ۴۰ انتخابات در کشور ما برگزار شده است که این نشان از اهمیت جایگاه مردم و نقش جمهوریت در جمهوری اسلامی دارد. انتخابات در کشور ما به گونه ای تعریف شده است که در مقاطع مختلف، افراد خود را برای تصاحب جایگاه های مدیریتی و اجرایی کشور در معرض رأی مردم قرار می دهند. با نگاهی انتقادی به انتخابات در جمهوری اسلامی، به خصوص در ریاست جمهوری، نقد جدی شخص محور بودن انتخابات و همچنین شعار محور بودن اشخاص است. اگر بخواهیم یکی از جدی ترین دلایل برای مشکلات پیش آمده در کشور را مورد بررسی قرار دهیم ریشه آن به همین شعارزدگی برمی گردد. بخش عظیمی از جامعه کنونی ایران معتقدند اشخاص پس از برگزیده شدن توسط مردم، شعارهای انتخاباتی خود را فراموش می کنند و گویا این شعارها تنها برای برانگیخته کردن احساسات عمومی جامعه و ایجاد فضای هیجانی بوده تا مردم از عقلانیتی

جایگاه خود به نقش آفرینی می پردازند. آنچه که از تجربه ی هشت ساله کشور در دوران مدیریتی حسن روحانی می توان مشاهده کرد شکست کارآمدی این رویکرد بوده است، چرا که حسن روحانی و تیم مدیریتی دولت یازدهم و دوازدهم نشان داد می توان در عین دادن شعارهای بسیار جذاب و عوام پسند، ناکارآمد ترین مدیریت ها را در کشور برقرار کرد و مشکلات را نه تنها با شعارها برطرف نکرد بلکه به مراتب افزایش داد و مردم را از ادامه مسیر زندگی خسته کرد. اما در رویکرد دوم نه شعارها بلکه این برنامه ها هستند که تعیین کننده خواهند بود. در این رویکرد شخصی که خود را در معرض رأی دیگران قرار می دهد و مدعی است که برای مدیریت کشور توانایی دارد دیگر با زبان شعار با مردم سخن نمی گوید بلکه این برنامه ی فرد و اشخاص است که تعیین می کند آیا فرد واجد شایستگی مدیریت کشور خواهد بود یا خیر. نقش مردم اما در گسترش این رویکرد کلیدی است، زیرا مادامی که کاندیدها بر این عقیده باشند که مردم را می توان با شعارهای سیاسی و اقتصادی جذاب فریب داد، هیچ زمان شانه خود را زیر بار تدوین برنامه متقن مدیریتی و قابل اجرا در عرصه های گوناگون و ارائه آن به مردم نمی برند. از این رو مطالبه رویکرد برنامه محوری در انتخابات یکی از اصلی ترین وظایف مردم به خصوص قشر دانشگاهی می باشد، اگر این مطالبه از سطح عموم جامعه به فضای نخبگانی و مدیریتی کشور منتقل شود، دیگر تعداد کسانی که احساس تکلیف می کنند به مراتب کمتر می شود، همچنین اشخاص به جای آن که در اتاق های فکر خود به دنبال طراحی شعارها و کلید واژه های فریبنده انتخاباتی بگردند به فکر تدوین برنامه مدیریتی و ارائه آن به مردم خواهند افتاد. قابل ذکر است که به برکت دولت بی برنامه و ضعیف یازدهم و دوازدهم و آگاهی عموم جامعه از خوارها شعار تحقق نیافته ی حسن روحانی، زمینه عبور از شعارگرایی و حرکت به سمت برنامه گرایی انتخابات از همیشه آماده تر است. یقیناً در انتخابات ۱۴۰۰ که تضمین کننده آینده ایران عزیز می باشد؛ ملاک ها برای انتخاب صحیح باید از شعارهای انتخاباتی به سمت برنامه ی عملیاتی تغییر کند چرا که مردم در مقابل خود کارنامه ی هشت سال شعارزدگی بدون کارآمدی و توانمندی را مشاهده کردند و باید مراقب بود اتاق فکری که در نظر دارد با ایجاد دوگانگی های کاذب و کلید واژه های فریبنده، افکار عمومی را بار دیگر منحرف و انتخابات را از عقلانیت دور کند، راه های فریب افکار عمومی در مقابل خود را بسته بداند تا مجدداً جریان ناکارآمد در کشور «تکرار» نشود تا در انتخاباتی پرشور همراه با عقلانیت کامل، مناسبات کشور به نفع مردم تغییر کند.



نقش زنان در تعیین سرنوشت کشور

حق زنان برای شرکت در انتخابات

سالیان دراز برای زنان، شرکت در انتخابات و رأی دادن، یعنی حق تعیین سرنوشت سیاسی کشور، جزو آرمان‌های دوردستی بود که می‌بایست برای رسیدن به آن تلاش مجدانه می‌کردند. انکار یا نادیده انگاشتن حق مشارکت سیاسی زنان در غرب و کشورهای مستعمره‌ی آن، از باور به جنس‌دوم بودن زن نشأت می‌گرفت که خود ناشی از عدم شناخت شأنیت و هویت مستقل انسانی برای زنان بود.

این در حالی است که با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران و اهتزاز پرچم اسلام شیعی، حقوق زنان که برگرفته از متن اسلام ناب محمدی (ص) است، به رسمیت شناخته شد. دین اسلام، ظرفیت زنان را اولاً به عنوان موجود انسانی متعالی و ثانیاً به عنوان نیمی از اعضای جامعه اسلامی که جایگاه عالی در تربیت و رشد مادی و معنوی اجتماع دارند، به خوبی مشخص نموده و اصول و بایسته‌های بهره‌مندی از این ظرفیت را تبیین کرده است. یکی از این حقوق مسلم انسانی، برخورداری زنان از حق

شرکت در انتخابات و نقش‌آفرینی در تعیین آینده زمامداری کشور است. این حق در نسبت میان رابطه متقابل زنان و حکومت قابل ترسیم است که از همان ابتدای پیروزی انقلاب و در قالب رأی دادن به نظام جمهوری اسلامی ایران متبلور شد. به عبارت دیگر زنان مسلمان جامعه اسلامی به واسطه زندگی تحت لوای حکومت اسلام حق دارند که در تعیین سرنوشت سیاسی آن ورود فعال داشته باشند و از طرفی این حق با تکلیف ایشان در پشتیبانی و حمایت از استحکام نظام جمهوری اسلامی عجین شده است.

حکومت اسلامی و جایگاه زنان

در واقع یکی از مهم‌ترین وظایف زنان در دفاع از حکومت اسلامی تلاش برای تداوم توأم با اقتدار حکومت اسلامی شیعی است. همین امر اولاً اهمیت نقش و جایگاه ویژه زنان در جامعه را نشان می‌دهد و ثانیاً ارزشمندی حضور و مشارکت آنان را در انتخاب مدیران شایسته برای نظام جمهوری اسلامی ایران مبرهن می‌سازد. اهمیت این هر دو مقوله در بیانات امام خمینی (ره) به وضوح روشن است. ایشان ضمن عالی‌مرتب‌دانستن مقام زن، در باب حضور سیاسی زنان معتقدند: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، زنها در جمهوری اسلامی رأی باید بدهند، همانطوری که مردان حق رأی دارند زنها حق رأی دارند.» «زنها حق رأی دارند، - از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها قائل هستیم- حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.» «همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید

دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند، زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند.» علت تأکید امام خمینی (ره) بر جایگاه زنان و اهمیت نقش‌آفرینی آنان در شئون مختلف حکومت اسلامی، به واسطه دو شأن تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم زنان در سرنوشت یک ملت است. از دیدگاه امام خمینی زن نه فقط با حضور مثبت و سازنده خود در جامعه، بلکه با تأثیر بر افکار، روح و ذهن مردان و فرزندان خود در خانواده، مسیر اصلی جامعه و تکامل انسانی را تعیین می‌کند. بنابراین، زنان در هر جامعه‌ای تعیین‌کننده مسیر حرکت آن جامعه‌اند. به عبارت دیگر زنان علاوه بر حضور بی‌واسطه در انتخابات و فعالیت سیاسی-اجتماعی فردی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری اعضای خانواده خویش، همسر و فرزندان خود خواهند داشت. هرچه که سطح آگاهی، معنویت و اخلاص و بصیرت زنان افزایش یابد، این امر به سایر اعضای خانواده نیز تسری خواهد یافت.

زنان و نقش آنان در تغییر معادلات سیاسی

سعادت و شقاوت کشورها و پیشرفت جوامع وابستگی غیرقابل انکاری به حضور آگاهانه و فعال زنان دارد و به فرموده امام خمینی (ره) این زن است که با تربیت صحیح خویش، انسان می‌سازد و کشور و جامعه را به سوی صلاح پیش می‌برد. پس زنان باید در کسب فضایل و کمالات روحی و معنوی و بصیرت دینی و سیاسی تلاش نمایند؛ چرا که در رشد دادن معنویت و بصیرت در جامعه نقش شایانی دارند. بنابراین ضرورت اشراف نسبت به این مقوله دوچندان است؛ چرا که دشمنان نظام دقیقاً روی همین نقطه کانونی تمرکز دارند. مسلماً برای جبهه غرب که مدت‌ها زنان جامعه خویش را از حق بنیادین مشارکت اجتماعی و سیاسی محروم می‌داشتند، مشاهده این نوع نگاه به زنان و درک حقیقت جایگاه و حقوق ایشان نه تنها خوشایند نیست بلکه احساس خطر می‌کنند؛ بنابراین تلاش عامدانه و آگاهانه‌ای در تغییر یا ایجاد انحراف یا وضع مانع بر مسیر این نقش‌آفرینی فعال زنان خواهند داشت. همچنانی که با طرح مباحثی همچون عدم ضرورت شرکت در انتخابات، تردید در سلامت انتخابات، عدم تغییر شرایط کنونی و ناتوانی حکومت و مسئولین آن در مدیریت مسائل کشور و ... هر روز در حال پمپاژ یأس و ناامیدی در میان توده مردم هستند. از سوی دیگر با ترویج فردگرایی، لذت‌محوری و اشاعه تجمل‌گرایی و تبرج‌طلبی در میان زنان به بهانه سوء استفاده از کلمه مقدس «آزادی» در حال ضربه‌زدن به پیکره افکار زنان و تزلزل بنیان خانواده هستند. مشغول کردن زنان به امور سطحی و دم‌دستی و روزمره به منظور غافل کردن آنان از تحولات گوناگون پیرامونی، شناخت مسائل و تشخیص حق از باطل از پلیدترین اقدامات دشمنان نظام است. زیرا اینان به خوبی دریافته‌اند که برای ضربه زدن به نظام اسلامی اولین و ساده‌ترین راهکار، انحراف ذهن زنان از مسائل کلیدی به روزمرگی‌های سطحی و تنزل افکار زنان از پرداختن به کسب فضایل اخلاقی به مشغول شدن

در شیفتگی‌های ظاهری است و به واسطه این عقب‌ماندگی، جامعه از حرکت پرشتاب خود به سمت قله‌های اقتدار بازخواهد ماند. اگرچه به بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (حفظه الله) این وظیفه بانوان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی است که نگذارند حضور زنان فعال در جبهه انقلاب کمرنگ شود؛ زیرا «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد.» بنابراین بر زنان مسلمان ایرانی فرض است که امروز هم در میدان سیاست، علم و دانش، فرهنگ، تولید و اقتصاد و در همه فعالیت‌های مقابل چشم دشمنان جهانی، حضور فعال داشته باشند و در افزایش بصیرت و آگاهی خانواده خویش مجاهدت نمایند.

انتخابات ایران، اثرات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

۲۸ خرداد ۱۴۰۰، روزی که چشم‌انداز چهارسال آینده‌ی کشور برای سیزدهمین بار توسط مردم تعیین خواهد شد.

انتخابات ریاست جمهوری جدای از اینکه، رئیس یکی از قوای سه‌گانه‌ی کشور را مشخص می‌کند، در واقع تعیین‌کننده‌ی جهت و سرعت حرکت کشور در چهار سال پیش رو می‌باشد، چرا که به طور معمول فرد انتخاب شده توسط مردم، نماینده‌ی یک جریان فکری است، بنابراین بیشتر تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و رونق‌بخشی‌ها متناسب با تفکر منتخب خواهد بود.

تبدیل شد، از این رو چشم تمامی کشورهای منطقه به تحولات درونی و سیاست‌گذاری‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در سال‌های اخیر ایران حضور پررنگ و مؤثری در جبهه‌ی مقاومت و تأمین امنیت منطقه داشته است، به طوری که معادلات قدرت‌های آمریکایی و اروپایی را برای نفوذ در خاورمیانه و تأمین ثبات و امنیت اسرائیل برهم زده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی و وضع تحریم‌های شدید اقتصادی و نظامی علیه آن می‌تواند راهکاری برای رسیدن به این آرزوی از دست‌رفته باشد. از آنجا که اقتصاد ایران وابستگی زیادی به نفت دارد، تحریم‌های نفتی، اقتصاد و معیشت مردم را نشانه گرفت، از طرفی کشورهای منطقه و همسایه به شدت از برقراری روابط اقتصادی با ایران منع شدند چرا که در این صورت ناچار به پذیرش تحریم‌های شدید علیه خود بودند. لویح مختلفی در کنوانسیون‌های بین‌المللی به وجود آمد که بندهای نظامی و به اصطلاح ضد تروریستی آنها، حضور نظامی و امنیتی ایران در منطقه را که موجب بیرون راندن نیروهای آمریکایی و مزدوران آن می‌شود نشانه گرفت. در نتیجه ایران بر سر دوراهی «مذاکره- پذیرش تحریم‌ها» قرار گرفت و اگر تصمیم به رفع تحریم‌ها داشت، باید به مجامع بین‌المللی که در رأس آنها آمریکا قرار دارد امتیاز می‌داد. پس جریان فکری حاکم بر قوه‌ی اجرایی کشور نقش تعیین کننده‌ای در تحولات منطقه و فرا منطقه‌ای دارد. اگر دولت منتخب معتقد به سازش و روی خوش نشان‌دادن به قدرت‌های جهانی باشد پس روند مذاکرات را ادامه خواهد داد و به تدریج ناچار می‌شود از اثرگذاری اقتصادی و امنیتی در منطقه کناره‌گیری کند چرا که این اثرگذاری خلاف منافع آمریکا بوده و از نفوذ همه جانبه و تسلط آن بر منطقه جلوگیری می‌کند. ادامه‌ی مذاکرات همچنین موجب عقب‌نشینی جمهوری

در شیفتگی‌های ظاهری است و به واسطه این عقب‌ماندگی، جامعه از حرکت پرشتاب خود به سمت قله‌های اقتدار بازخواهد ماند. اگرچه به بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (حفظه الله) این وظیفه بانوان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی است که نگذارند حضور زنان فعال در جبهه انقلاب کم‌رنگ شود؛ زیرا «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد.» بنابراین بر زنان مسلمان ایرانی فرض است که امروز هم در میدان سیاست، علم و دانش، فرهنگ، تولید و اقتصاد و در همه فعالیت‌های مقابل چشم دشمنان جهانی، حضور فعال داشته باشند و در افزایش بصیرت و آگاهی خانواده خویش مجاهدت نمایند. انتخابات ریاست جمهوری بر سیاست‌های داخلی در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و... تاثیرگذار است، با این حال نقش و اثر ایران در مسائل منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله موضوعات گره خورده با انتخابات بوده و پرداختن به آن حائز اهمیت است. منطقه‌ی غرب آسیا به دلیل وجود «ذخائر بزرگ نفت و گاز»، «بازار بزرگ مصرف» و «حضور اسرائیل» همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای بوده است. قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد با صرف هزینه‌های هنگفت تلاش کرده‌است تا موقعیت خود را در منطقه‌ی خلیج فارس تثبیت کند، اما مخالفت کشورهای اثرگذار منطقه مانند ایران، ناکارآمدی آمریکا در حضور با ثبات و دائمی خود در عراق و افغانستان، همچنین شکل‌گیری قیام‌های مردمی علیه نظام‌های دیکتاتور عربی که آمریکا را شریک راهبردی خود می‌دانستند! مانع از آن شده که آمریکا با آسودگی خیال در منطقه جولان دهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به الگوی مقاومت علیه استکبار تبدیل شد، از این رو چشم تمامی کشورهای منطقه به تحولات درونی و سیاست‌گذاری‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است. مقاومت علیه استکبار

اسلامی از پیشرفت‌ها، مواضع و حتی اعتقادات ملی خود می‌شود تا بدین سبب سایه‌ی تحریم‌ها که بیشتر از همه به بدنه‌ی اقتصادی کشور آسیب رسانده است، از سر ملت ایران برداشته شود. هرچند که تجربه نشان داده قدرت‌های بزرگ جهان به راحتی حاضر به رفع تحریم‌ها نخواهند بود و ملت‌ها باید هزینه‌های هنگفت مالی، انسانی و فرهنگی را در این راه صرف کنند. در مقابل رویکرد مقاومت در برابر ابر قدرت‌ها و اتکای بیشتر به ظرفیت‌های داخلی به نظر تنها راه برون‌رفت از مشکلات است، کما اینکه در حوزه‌ی

دفاعی در منطقه این مهم به اثبات رسیده است. البته داشتن روحیه‌ی مقاومت به معنای انزوای کشور ایران و عدم برقراری روابط بین‌المللی نیست، بلکه آنچه مهم است عبرت گرفتن از تاریخ و عدم اعتماد به کشورهای است که بارها دشمنی خود را نسبت به جمهوری اسلامی ثابت کرده‌اند. حال اینکه بخواهیم عزتمندان و روبه جلو حرکت کنیم و یا در انتظار گوشه چشم ابرقدرت‌های متخاصم بوده و به عقب بازگردیم به انتخاب خودمان بستگی دارد.

راه های ارتباطی با بسیج دانشجویی و نشریه مصلح

نشانی در شبکه های اجتماعی (تلگرام و بله)

تلگرام: Tmubasij

بله: tmu_basij

ارسال انتقادات، پیشنهادات، نظرات و مطالبات به نشانی

(@Basijtmu_admin)

منتظر پیام های شما در

#صدای_دانشجو هستیم

مصباح

نشریه علمی، فرهنگی،
سیاسی و اجتماعی



ویژه نامه انتخابات ۱۴۰۰